

این روز نامه بدون نقاضی کتبی پسرای کسی ارسال نمیشود
هل اداره : طهران خیابان لاله زار - کوچه اتحادیه
قیمت تک شماره ۵ شاهی است

مردان آزاد

وجه اشتراك :

سالانه	ششماهه	سه ماهه
۱۰۰۰ قران	۵۰۰ قران	۳۰۰ قران
داخله	بغلاوه اجرت پست	

باوراش و بومیه

۲۶ سنبله
پنجاه چند مجلس دو بدو با ملت
حرف بزلیم - بگوئیم مقصود ما چیست -
بفهمیم ملت چه می خواهد .
روی صحبت ما با آن مردمی است
که از بدو دوره مشروطیت - بدون
هیچ نظر خاص - همچو ساده پیرغرض -
مشروطه طلب شدند - با حس چندباعتقاد
پیدا کردند و از مغلوبیت ذریار خوشوقت
بودند .

از اینها می پرسیم شما چه میخواستید ؟
برای چه از مجاهدین رشت و گریز خوش
وقت بودید ؟ چرا دما می کردید زود
تر طهران برسند ؟
بچه پادشاه آرزوی چه کردید مرحوم
میر السلطنه خانه نشین نشود ؟
مگر با آن مرحوم عداوتی داشتید ؟
میر السلطنه که سر بد نفسی نبود - آدم
بیخ نفسی که شد - شخصی بود مسلمان -
خط قرآنی را خیلی خوب می نوشت -
کلمات خود مانی را که داشت - مسجد هم
می ساخت - پدر غراب عرب هم که
میرسید .
نه - غرض شما رفتن مرحوم میر -
السلطنه نبود - شما خیال می میکردید
اگر میر السلطنه و هم قطار هاش پروند :
اولا ظلم کمتر می شود - ثابا رشوه بازی
بهم میخورند - ثالثا آسایش مردم بیشتر
خواهد شد .
دوست فهمیدیم یا خیر ؟

ولی ایتر خدم شما و ما می دانیم که
از ظلم ملایم شانه خالی نمی کردید و از
رشوه معدود زیاد فراری نبودید .
قرنها مدت بظلم شما را سپور کرده
بود - ظلم کم بنظر شما همچو غریب می آمد -
همچ وقت احواف مختصر کار را به انقلاب
با یلوا نمی رساند .
همین طور اسکر عمال دیوانی به
گداری کم قناعت می آوردند - ابتدا صدای
شما در نمی آمد - رسوم و گداری
و پیشگی زادن علت اصلی طرفیت شما
با شاه و نوکر هاش نمی شد - نه - بخودتان
اشتباه نشود .
الجه در حقیقت امرشاه آرزوداشتید
بیشتر آسایش عمومی بود - آ-وده کی مردم
بود .
دو کله گویید ضرر ندارد : شما
می دیدید اغلب اهل این مملکت بیگ بخور
و نمیری باید بسازند - رعیت هر ده خانه

بیک دنگ محتاج شده - در کسب و کار
خبر و یرکت نیست - انبار بزرگ پشت سر
هم ورشکست می شوند - دولت هم سال
پسال مغلوبه از کار در می آید -
قرض مملکت علی الاکمال بالا میبرد - این
اوضاع شما را مستعد چه داد و فریاد
کرد - بی پولی و کرائی شما را بستوه
آورد .
وقتی که این استعداد در شما پیدا
شد از خارج و داخل جماعتی بفرگ اصلاح
امورات ... خودشان افتادندشها - باصلاح
امروز - قیام کردند .

اما قیام شما وقیم پیدا میکردتتان
نوام شد .
بله - از آن روز همی بشما منت
کذاشتند - و قومیت شما را قبول کردند .
چه قدیمی ها - به نو ک های دریا -
گفتند : مملکت داری علم و کفایت می
خواهد - شما نابلیق و بی سوادید - پروید
کنار .
پشا گفتند : د دوی مرد مملکت
آزادی است و حکومت شوروی - باید قدم
کاری کنید - آزادی بگیری - ما را که خم
خوز ملقب پرسیاید مجلس - دگر هیچ کارگان
نیاشد .

قدیمی ها دودسته شدند : یک دسته
رفتند - نشستند خلم گرفتند و همه این
حقه بازی ها لعنت کردند - یک دسته با هم
خورهای ملت ساختند و مملکت مدارا کردند .
برای قیامها روز کار خوب چرخید -
هر کدامشان مقامی پیدا کردند - پایتاد
آوردی بهم زدند زندگیشان رونقی گرفت .
آن بود حال قیام - این شد حال
مجددین .
اما شما ؟ شما پارسا بید بینیم چه
شدید ؟ خجالت ندارد - جواب بدهید
پولتان بیشتر شد ؟ نه
انقار ارزانت شد ؟ خیر
زندگیتان امروز راحت تر است ؟
ابداً

مالیاتتان را کم کردند ؟ نه
مرض هاتان را پرسیاری می کنند ؟ خیر
بیتیم و طاجران را خرج می کنند ؟
اصلاً
خوب - بلکه ظلم دگر نمی بینید ؟
چرا
شاید رشوه دگر درین نیست ؟ چرا
پس قانین برای شما چه کردند ؟
چه کاری صورت دادند ؟
هیچ
هیچ

باز هم هیچ !
اما چرا - کفران نعمت نشود :
آزادی !
اگر بخواید امروز بحساب بجهت
ساله قیام های خودتان رسیدگی کنید - فقط
یک چیز بشما تحویل خواهند داد :
حریت !
بله - می گویند : ما اولیای سیاسی
شما اسپایی فراهم کردیم که هر کدام شما -
بی سواد یا فاضل - بحق دارید فردا یک
ورقه نمی منتشر کنید و هرگز به پتان کشید
بد بویید - گهت بزیاید - فحش ناموسی
بدهید .

هر کس خواست میتواند شمارا بی
آبرو کند - هر کس را خواهد دیدتوانید
بشرف بگوئید - این « آزادی » بپای خون ...
شما است .
ملفت شدید که چه کار بزرگی برای
شما صورت داده اند ؟
شاید چه می گویند ؟
فردا ببینید ما چه می گوئیم .
داور

سیاست و خارجه

مناقشه ایتالیا و یونان
جمع سفرای کبر مناقشه ایتالیا و
یونان را نصفه کرد . این مناقشه بی اساس
و موجب سر شگستگی یونان و خسارتی بالغ
بر دو بیست کرور لیره ایتالیا یعنی تقریباً
دو کرور لیره انگلیسی شد . البته این میانه
برای یونان فوق العاده است زیرا میزان
مبادله پولش بسیار پایین و حالت اقتصادیش
بسیار بد است شاید بی منفعت باشد قدری از نقطه
نظر علم النفس حال این مناقشه را مورد
مطالعه قرار دهیم .

پدر از جنگ عالم کسیر - در زمان
داری (ویزولوس) که یک مرد بسیار فطن
و سائنسی است - یونان سیاست تجارزکارانه
تعقیب می کرد و لازمانی که سیاستمدار
فوق سر کار بود موفقیت خوب حاصل می
نمود ولی همین که کناره جویی کرد موجب
بلیه و آفت برای یونان گشت .
چرا یونان که در زمان (ویزولوس)
دولت نظارت و احتیاط دولت بود و بر طبق اراده
او مطالب و مسائل را انتقار می دادند بعد از او
« آزاد » شدند و از سه سال قبل باین
طرف دائم بر ضد ایتالیا مقالاتی منتشر
میکردند - و حال آنکه یونان مناسوب
عتمالی شده بود و اوضاع و احوال اقتصادیش

جلب محبت ایتالی را ایجاد میکرد .
حادثه اخیر - نصف جزیره گرفتار
و همپاردمان آن - نتیجه اینی است که
چرا یونان در دل ایتالیایی ها ایجاد
کردند .
اسکر ما مدت به مطالعه چرا یونان
خارجه داشتیم این مسئله برای مدارس عبرت
باید باشد . ما باید بدانیم که بر خلاف
مصالح مملکت که بواسطه حمله بدول خارجه برای دولت
خود اشکالات غیر متصوره ایجاد کنیم - در این
قبیل مسائل همیشه باید قبلا عقیده دولت
را پرسید بعد چیزی منتشر ساخت .

لزوم و فواید معاینه اراضی

لزوم شناسائی طبقات زمین از نقطه
نظر زراوری - شیبانی و از نقطه نظر
تخصیص مادن معدنی است که در ممالک
متدنه از قدیم الایام شروع به معاینه اراضی
کرده اند .
مقصود از این معاینه تعیین عصر
تکونیه طبقات زمین و ترکیب این طبقات
از مواد شیبانی و معدنی است .
اسولی که برای این امر موجود است
رشته خصوصی تشکیل داده از بفرانسه
آئرا (لکتونیک) گویند . (لکتونیک)
عبارت است از تدریج عناصر و موادی که
قشر زمین را تشکیل میدهند .

از این تدریج معلوم میشود طبقات
زمین چه چیز را حاوی است . همین که
این مسئله معلوم شد ثروت طبیعی مملکت
معلوم میگردد .
در این مقاله ما خیال نداریم از
طرق معاینه طبقات ارضی صحبت بداریم ولی
همین قدر می گوئیم هر وقت عصر تکونیه
طبقات معلوم شد - کسی که مامور معاینه
است خواهد فهمید با چه قسم اراضی سر
و کار دارد زیرا که در هر عصر و هر
عهدی طبقات معینی تشکیل یافته است .
بعلاوه - چون هر ماده معدنی بی
حسب اوج اجزای که در میان آن جا
میکرفته یک حالت مخصوصی دارد - وقتی
نوع این اجزای معلوم شد مامور معاینه
اراضی می تواند اهمیت و فایده صنعتی ماده
معدنی را فوراً تشخیص دهد و همین کند .
اهمیت اقتصادی این مسئله باندازه
است که در ممالک متدنه نتایج مطالعات
که در این زمینه شده روی کاغذ آورده
اند - نقشه جانی تراب داده اند که انسان
بمحض ملاحظه می فهمد در فلان نقطه زمین
در چند هزار ذرع عمق چه طبقاتی
موجود است و چه مواد معدنی را حاوی
است .

در مسائل سیاسی مطبوعات باید بر طبق
تدابیر دولت رفتار کنند . البته ممکن
هم هست خط مشی و رویه ای بدولت
پیشنهاد کنند - ولی باید با نزاکت و طوری
باشد که صیانی نکنند .
مطبوعات نباید کینه و بغض عمومی در
دلها ایجاد کنند زیرا در انصورت سیاست
روز سره دولت را فلج میکنند و بطوریکه
برای یونان بیچاره اتفاق افتاد اشکالات خطر
ناک و بزرگی برای مملکت تولید می
نمایند .

لزوم و فواید معاینه اراضی

وقتی چنین نقشه ای در دست باشد
کسی که بخواند معادنی استخراج کند
فوق العاده آسان میشود . همین که از روی
نقشه طبقات ارض را شناخت - معادنی را
معلوم کرد - دانست از نقطه نظر شیبانی
و معدنی و معرفت ارضی چه موادی در
فلان قسمت از زمین موجود است تکلیفش
معلوم میشود - می فهمد در کجا صنعتش
زیاد تر است - در چه نقطه بهتر به منظور
و مطلوب خود قابل خواهد گشت
پس - بطور خلاصه - می توان گفت که
نقشه های معرفت ارضی که طبقات مختلفه
زمین و مواد معدنی محوره آنها را نشان
می دهند - میزان ثروت طبیعی مملکت
را معلوم می کنند .

در موقعی که من مشغول تحصیل بودم
به ندرت اتفاق افتاد که از مملکتی برای من
صحبت بدارند که نقشه معرفت ارضی نداشته
باشد . متأسفانه این ندرت در مورد ایران
بود - یعنی در مورد مملکتی که همه قسم
معادن دارد از مواد معدنی قادر با فراوان
ترین معدن که آهن باشد .
مطالعه در اوضاع طبقات ارض در
ایران بواسطه فقدان نقشه جات معرفت ارضی
بحدی مشکل - و با معلومات و اطلاعات فعلی
مقتنع است که ممکن نیست از روی علم
معرفت ارضی حتی حد سبانی راجع به
زمین ایران زد . من میتوانم با کمال اطمینان
اظهار بدارم که در تمام کتب موجوده علمی
دنیای معدن هیچ کس که اطلاع راجع
طبقات ارضی ایران - موادی که حاوی است
- معادنی که داراست موجود نیست - مگر
چند سطر حدسبانی که در کتاب معرفت
الارض عمومی پروفسور (هریک) معلم دارالفنون
پاریس که بهترین کتاب در این قسمت
از علوم است - یک رساله کوچک دیگری
هم از (انشال) آلمانی در دست است
که در او نشی نقشه مختصری از طبقات ارضی
شمال و قسمتی از مرکز ایران موجود است
ها یک آقای - مهندس درشتی و معادن
ناتمام

